

در راه مدرسه

علی بار زارعی



از شب تا صبح یک ریزش باران باریده بود. جوی‌های جاری شده آب پس از باران یکنواخت، خاک نرم را با خود برده بودند و آن چه بر جای مانده بسود گل ولای بود. حالا دیگر باران نمی‌بارید. آسمان صاف بود و خورشید در گوشه‌ای از آن نورافشانی می‌کرد. کارت این بود که هر روز ۲۵ کیلومتر را از شهر تا روستای دورافتاده‌ای با موتورسیکلت بروی و کودگانی را که منتظر آمدنت بودند درس بدهی و عصر دوباره به شهر برگردی.

از خانه که بیرون آمدی پیش از آن‌که موتور را روشن کنی به آسمان نگاه کردی. بی‌ابر بود و صاف. در راه به هیچ چیز فکر نمی‌کردی جز آن که به مدرسه برسی و به انتظار کودکان چشم به راه آمدنت پایان دهی. به جایی رسیدی که آفتاب نبود، زمین خاکی بود اما حالا بر اثر باریدن باران لیز و لغزنده شده بود. گاه موتور به چپ یا راست متمایل می‌شد و تو هر طور بود تعادل را حفظ می‌کردی و گاه باهایت را روی زمین می‌گذاشتی. دستگیره گاز را فشار می‌دادی و دنده عوض می‌کردی اما موتور قدرت کشش نداشت. موتور را خاموش کردی و سعی کردی آن را تا جایی که زمین صاف‌تر است بکشانی.

موتور با تو نمی‌آمد، دو، سه متری با همه توان آن را کشیدی ولی دیگر نتوانستی. ایستاده به دورها نگاه کردی به نظرت همه جا تا چشم کار می‌کرد گل و لای بود. باید برمی‌گشتی یا می‌رفتی. به دلت گذشت که برگردی اما چهره کودکان منتظر، چشم‌های به راه دوخته‌شان این فکر را از ذهنت دور کرد. باید می‌رفتی اما چگونه؟ یک راه مانده بود.

موتور را بگذاروی و بروی. آن قسمت از جاده همیشه خلوت بود. کمتر رهگذری از آن‌جا می‌گذشت بخصوص حالا که باران باریده بود کمتر امکان داشت کسی از آن‌جا بگذرد. چاره‌ای نبود، موتور را همان‌جا رها کردی. کش‌هایت را درآوردی برای پیاده رفتن در میان گل ولای. شروع به رفتن کردی.

حدود سه کیلومتر مانده بود. این مسافت را باید توی گل و لای پیاده می‌رفتی. آرام، آرام شروع به رفتن کردی. به این که، کی می‌رسی فکر نمی‌کردی.

برایت مهم بود که برسی. هر قدمی که برمی‌داشتی در گل فرو می‌رفتی و کمی صبر می‌کردی تا پایت را از میان گل‌ها بیرون بیاوری. عرق برپیشانی‌ات نشسته بود، تنت از کوشش و تلاشی که داشتی گرم شده بود. چهره خندان بچه‌ها که برابر چشمانت نقش می‌بست، به تو امید می‌داد.

خیلی از روز، گذشته بود که به روستا رسیدی. بچه‌ها همه جلو مدرسه ایستاده بودند. با دیدنت جلو دویدند. یکی آب آورد و یکی سعی کرد آب به روی پاهایت بریزد. پاهایت را که شستی به داخل تنها کلاس مدرسه رفتی .

به غروب خیلی مانده بود. خورشید که حالا دیگر گرمای ظهر را نداشت آرام، سینه‌سایان به سوی مغرب پیش می‌رفت. بچه‌ها که رفتند و مدرسه از غوغای کودکانه شان تهی ماند احساسی غریب در اندامت، در تمامی اندام‌هایت به حرکت درآمد آفتاب نیک جریان سبیلان. احساسی که شاید از دوری کودکان بود، از نبودشان در مدرسه، کودگانی که تا چند لحظه پیش با جست‌وخیزهایشان، با جنب و جوششان، با فریادهای شادمانه‌شان، مدرسه را پر از نشاط کرده بودند، دیگر نبودند. تو باید برمی‌گشتی تا روزی دیگر.

به دورها نگاه کردی، به جاده، به چشم‌انداز رو به رویت که فقط گل ولای بود، اما چاره‌ای نبود باید می‌رفتی. کش‌هایت را از پا درآوردی زیر بغلت گذاشتی و به راه افتادی. از دور موتور را که دیدی توی گل چپیده بود، لیخند به لب‌هایت نشست، کش‌هایت را پشت ترک موتور گذاشتی، فرمانش را چرخاندی تا با همه زور و توانی که داشتی موتور را از میان گل ولای‌ها بیرون بیاوری. خورشید حالا به مغرب رسیده بود و آخرین پرتوهای درخشان نورانی‌اش را به زمین می‌فرستاد. از میان گل و لای‌ها که گذشتی و به قسمت خشک رسیدی خیالت راحت شد. آفتاب که تمام روز تابیده بود زمین را خشک کرده بود.

موتور را روی جک گذاشتی و به دور و برت نگاه کردی. به دنبال چیزی می‌گشتی که با آن پاهایت را پاک کنی. چیزی نبود. فقط سنگ‌های ریزودرشتی دیده می‌شد. سنگی برداشتی و به پاهایت کشیدی؛ زیر و روی پاها، نگاه‌شان که کردی لیخند زدی و زیر لب گفتی:

«خوبه حالا می‌تونم کشش ببوشم».

یک پایت را روی پایدان گذاشتی و با پای دیگری استارت زدی. با دومین حرکت موتور روشن شد. دستگیره گاز را چرخاندی. موتور به حرکت درآمد. حالا دیگر می‌دانستی که شب در بیابان نخواهی ماند. زمین هنوز خشک خشک نبود. آرام و با احتیاط می‌رفتی، گاه سرت را بالا می‌بردی و به آسمان نگاه می‌کردی.

تاریکی که نرمک، نرمک در همه جا گسترده شد ستاره‌ها چشمک‌زنان پیدایشان شد. شب تاریک بود و ماه گرد آویز آسمان نبود. تنها روشنی‌بخش، نور چراغ موتور بود. به زمین صاف و مسطحی رسیده بودی که از دور پیکر جنبنده‌ای در روشنی‌های چراغ موتور ایستاده در جاده در نگاهت نشست. پایت که روی ترمز رفت موتور از حرکت باز ماند و با هر روی زمین به هر که نگاه کردی. جست‌وجوگرانه به دنبال یافتن چوبی، آهنی نگاهت را به هر سو چرخاندی. در آن بیابان خشک و بی آب و علف چیزی نبود. به رو به رو نگاه کردی، آن‌جا که جنبنده ایستاده بود به دلت گذشت که یا گراز است یا گرگ آرام جلو رفتی. چهره و هیكل حیوان به گرگ می‌مانست. از دیدنش یکه خوردی. ترس در تمامی اندام‌هایت به حرکت درآمد و رعشای سراپای وجودت را فرا گرفت. در دل خوشحال شدی که فقط یک گرگ است. وجود دو گرگ احتمال حمله را بالا می‌برد. حیوان همچنان در جاده ایستاده بود و تکان نمی‌خورد گویا منتظر آمدن تو بود. چراغ را بالا بردی تا نورش به همه جا پهن شود، یک دستت به گاز فشار آورد تا صدایش بیشتر در بیاید و با همه توان و نیرو فریاد زدی. فریادی ششیبه نعره که در دل شش در بیابان بی‌انتهای طنینی وحشت‌آور داشت. دیگری به هیچ چیز توجه نداشتی جز آن که فریاد بزنی، فریادهای ممتد و پیایی.

گاه چشم‌هایت را می‌بستی تا فریادت رساتر شود. لحظه‌ای چشم باز کردی. حیوان در جاده نبود. به دستگیره گاز که فشار آوردی موتورسیکلت توی جاده به راه افتاد. از دور صدای زوزه گرگ‌های گرسنه را می‌شنیدی.

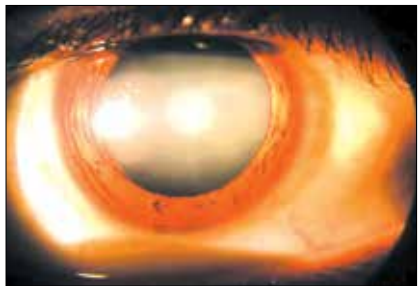


مسعود ضیایی



شیوه جدید سیر کردن شکم خانواده!

گامی رو به جلو در جهت درمان آب مروارید با دارو



یک درمان انقلابی جدید برای آب مروارید نتایج بسیار مثبتی را در آزمایشات نشان داده است و امید می‌رود که این بیماری که در حال حاضر تنها با جراحی قابل درمان است، به زودی با دارو درمانی برطرف شود. به گزارش ایسنا و به نقل از مدیکال اکسپرس، به کدر شدن عدسی چشم در گذر زمان، آب مروارید گفته می‌شود. این عارضه کیفیت بینایی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

عدسی چشم از آب و پروتئین تشکیل شده است. با افزایش سن ساختار منظم پروتئین‌های عدسی دچار اختلال شده و این موضوع منجر به تشکیل توده‌های پروتئینی روی عدسی می‌شود.

این توده‌ها نور را پراکنده می‌کنند و انتقال نور به شبکیه را به شدت کاهش می‌دهند. آب مروارید از دلایل نابینا شدن میلیون‌ها نفر در سراسر جهان است.

گروهی از دانشمندان بین‌المللی به رهبری پروفسور باربارا پیورسونک، معاون رئیس دانشکده بهداشت، آموزش، پزشکی و مراقبت‌های اجتماعی در دانشگاه انگلیا راسکین (ARU)، آزمایش‌های نوری پیشرفته‌ای را بر روی ترکیبی موسوم به «کسی‌استرول» (oxysterol) که به عنوان یک داروی ضد آب‌مروارید پیشنهاد شده بود، انجام داده‌اند.

در آزمایش‌های انجام شده، درمان با ترکیب اکسی‌استرول «VP1-۰۰۱»، بهبود در ضریب شکست نور در ۶۱ درصد از عدسی‌ها مشاهده شد. ضریب شکست یک پارامتر نوری کلیدی است که برای حفظ ظرفیت بالای فوکوس نیاز است. این بدان معناست که ساختار پروتئین‌های عدسی در حال بازسازی هستند و در نتیجه عدسی بهتر می‌تواند فوکوس کند. این امر با کاهش کدری در ۴۶ درصد از موارد همراه بود.

پروفسور «پیرسیونک» (Pierscionek) که یکی از اعضای مرکز تحقیقات فناوری پزشکی در دانشگاه «انگلیا راسکین» است، می‌گوید: این مطالعه اثرات مثبت ترکیبی را نشان داده است که به عنوان یک داروی ضد آب مروارید پیشنهاد شده بود اما قبلاً هرگز بر روی عدسی‌ها آزمایش نشده بود. این اولین تحقیق از این دست در جهان است. مشخص شده که تفاوت چشمگیری در بهبودی بینایی چشم‌های مبتلایان به آب مروارید که با این ترکیب درمان شده‌اند در مقایسه با چشم آن‌هایی که درمان نشده‌اند، وجود دارد. بهبودی در برخی از انواع آب مروارید، نه همه آن‌ها حاصل شده است که نشان می‌دهد این درمان ممکن است برای برخی از آب مرواریدهای به خصوص مناسب باشد و شاید در هنگام تولید داروهای ضد آب مروارید باید بین انواع آب مروارید تمایز قائل شد. این یک گام مهم رو به جلو در جهت درمان این بیماری بسیار رایج با دارو به جای جراحی است.

مردم‌سالاری

روزنامه اجتماع-سیاسی-فرهنگی-و اقتصادی

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول: مصطفی کواکبانی
نشانی اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalardaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalardaily1
آدرس تحریریه: اتوبان شیخ فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹-۸۸۲۸۲۴۶
فکس: ۸۸۲۴۳۰۹۴
رشته روزنامه: ۳
جای: نشر ریحان - تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اثنان صبح: ۱۷/۴ طلوع آفتاب: ۵/۵۸ اذان ظهر: ۱۳/۰۱ اذان مغرب: ۳/۲۳
چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۱۶ شوال ۱۴۴۳ - ۱۸ می ۲۰۲۲ - شماره ۵۷۱۵

حدیث روز

حضرت محمد (ص):

سه کسند که روز قیامت هم صحبت خداوند کسی که میان دو تن سخن چینی کند و کسی که هیچ وقت به فکر زنا نیفتاده باشد و کسی که کسب خود را به ریا نیامیخته باشد.

(تهج الفصاحه)

پیشنهاد

جواد لکزبان

لحظات خوب بچه‌ها و روزهای روشن
نمایشگاه کتاب

سی و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که به دلیل شیوع ویروس کرونا برای دو سال به تعویق افتاد، سرانجام چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه آغاز به کار کرده است. درهای این رویداد فرهنگی در فصلی تهران بعد از دو سال به روی ناشران و مخاطبان باز شده و تا ۳۱ اردیبهشت‌ماه از ساعت ۱۰ صبح تا ۸ شب میزبان علاقه‌مندان کتاب خواهد بود.

کتابخانه داشته باشسیم و بچه‌ها را هم بیشتر با کتاب و نشر و فضای نمایشگاهی آشنا کنیم. سالن کودک و نوجوان غرفه ۷۱ و سالن آموزشی غرفه ۶۵ انتشارات تیزهوشان دکتر شاکری امسال با کتابهایی جدید وارد سی و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شده است. از آزمون‌های تحلیلی برای شش امتحان تا مجموعه حرفه‌ای کتابهای ویتامین ۲ برای درک بهتر و عمیق‌تر کتاب درسی و البته کلی کتاب هوش و سرگرمی و بازی و بسودو کو همگی با مطالبی به روز برای نمایشگاه کتاب ۱۴۰۱ تهران تدارک دیده شده‌اند. کتابهای ویژه تابستانه از دیگر محصولات انتشارات دکتر شاکری است که نکات آموزشی را بصورت دست‌بندی شده و هدفدار برای دانش‌آموزان بیان می‌کند. لازم به یادآوری است که امسال به دلیل شرایط ویروس کرونا و همچنین در جهت «تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی به کتاب برای همه در سراسر کشور»، نمایشگاه مجازی کتاب تهران در سامانه ketab.ir برگزار خواهد شد. مزیتی که برای نمایشگاه مجازی کتاب عنوان شده این است که ارائه خدمات ۲۴ ساعته بوده و علاقه‌مندان در هر ساعتی از شبانه‌روز که اراده کنند می‌توانند کتاب‌های خود را با ۱۰ درصد تخفیف خریداری کنند و به صورت رایگان کتاب خود را در هر منطقه شهری و روستایی تحویل بگیرند.

آگهی تمدید فروش اسناد فراخوان
مزایده عمومی ۱۴۰۱/۱

فراخوان انتخاب سرمایه‌گذار به‌منظور توسعه، مدیریت و پشتیبانی خدمات کانال ارتباطی پیامکی، کد دستوری و IVR دولت الکترونیکی به روش مشارکت عمومی - خصوصی (PPP)

۱- شرح کلی طرح

نام طرح: پروژه ساخت، بهره‌برداری و انتقال توسعه، مدیریت و پشتیبانی خدمات کانال ارتباطی پیامکی، کد دستوری و IVR دولت الکترونیکی. سرمایه‌پذیر: سازمان فناوری اطلاعات ایران به عنوان طرف اول موافقت‌نامه که در انتهای دوره بهره‌برداری تجاری، موضوع فراخوان توسعه را از کارگزار توسعه‌دهنده، شرکت با مشارکتی که جهت اجرای موضوع به عنوان طرف دوم موافقت‌نامه از طریق فراخوان انتخاب می‌شود.

برآورد تقریبی سرمایه‌گذاری: ۵۶۵ میلیارد ریال

دوره پیشبرد موافقت‌نامه: دو(۲) ماه

دوره احداث: یک (۱) ماه

دوره بهره‌برداری تجاری: سه (۳) سال شمسی و قابل تمدید برای یک دوره یک ساله دیگر با توافق طرفین

تعداد کارگزار منتخب: ۱ شرکت

۲- زمان‌بندی:

مقتضیان می‌توانند با مراجعه به سازمان فناوری اطلاعات ایران به نشانی زیر نسبت به دریافت اسناد فراخوان ها اقدام نمایند.

۱- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: از تاریخ انتشار آگهی اولیه تا ساعت ۱۶:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

۲- زمان تحویل پاکت ارزیابی کیفی: حداکثر تا ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

۳- زمان بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی: از ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

۴- زمان جلسه پرسش و پاسخ: ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۹

۵- بهای اسنادمزایده مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل یک میلیون تومان) قابل واریز به حساب به شماره ۰۶۵۹۷۰۴۰۴۸۲۰۴۰۴۰۱۰۱ و یا شماره شبای ۰۶۵۹۷۰۴۰۴۸۲۰۴۰۴۰۱۰۰۰۰۴۵۰۱ IR نزد بانک مرکزی به نام سازمان فناوری اطلاعات ایران

۶- محل دریافت و تحویل اسناد مزایده: تهران خیابان شریعتی - نرسیده به پل سیدخندان - ورودی شماره ۲۱- ساختمان مرکزی سازمان فناوری اطلاعات ایران - طبقه دوم - اتاق ۲۰۹- اداره قراردادهای (خانم تجدد)

۷- به منظور دریافت اسناد مزایده تسلیم معرفی نامه کتبی و اصل فیش واریزی بابت بهای اسناد مذکور الزامی می‌باشد.

۳- توضیحات ضروری

ارایه مستندات هیچ حقی را برای ارایه‌دهنده ایجاد نخواهد کرد و سرمایه‌پذیر پس از بررسی مستندات و ارزیابی فنی و مالی مقتضیان، طرح فنی ارایه شده، و ارزیابی پیشنهادهای مالی، نسبت به انتخاب سرمایه‌گذار واجد صلاحیت و مناسب برای سرمایه‌گذاری در طرح فوق اقدام خواهد کرد. کلیه شرکت کنندگان می‌توانند بمنظور رفع ابهامات خود با همراه داشتن معرفی نامه کتبی در جلسه پرسش و پاسخ مندرج در بند ۵-۴ که در محل آدرس: خیابان شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، ورودی ۲۲، ساختمان مرکزی سازمان فناوری اطلاعات ایران - طبقه ششم - سالن جلسات تشکیل می‌شود شرکت نمایند.

مقتضیان می‌توانند جهت کسب اطلاع به سایت اینترنتی زیرمراجعه و یا هرگونه سؤال و نظر خود را دربار اسناد مزبور به آدرس فوق ارسال و یا با کارشناسان اداره قراردادهای شماره تلفن ۱۵۹۰۶ ۸۸۱ (آقای تجدد) و بخش فنی به شماره ۱۵۸۷۶ ۸۸۱ (آقای مشتاق زاده) تماس حاصل نمایند.

نشانی سایت اینترنتی: www.ito.gov.ir

نشانه آگهی: ۱۳۱۸۷۶۳

سازمان فناوری اطلاعات ایران